

پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه؛ سال ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۲۰۶ - ۱۷۷

مطالعه تطبیقی اندیشه سیاسی شیعه و داعش

طاهره شریف*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

ابراهیم برزگر**

استاد علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۰۶)

چکیده

اسلام سیاسی، متعاقب انقلاب اسلامی ایران، در جمهوری اسلامی موجودیت عینی یافت و در بازاریابی سیاسی افکار عمومی جهان اسلام، خود را به‌عنوان کالای پرمشتری برای مسلمانان جهان اسلام، که در عصر جدید همواره سرخورده و شکست‌خورده و ناکام بوده‌اند، درآورد. این خوانش انقلابی از اسلام در ایران موفقیت عملی و عینی خود را در قلاب ایجاد تغییرات اجتماعی در انقلاب اسلامی، نظام‌سازی با منطق جمهوری اسلامی که سنت و مدرنیته را در ترکیبی موزون به کار گرفت و نیز در ایجاد نظامی ماندگار و چهل‌ساله نشان داد؛ اما الگوی رقیب و وهابی داعش در برابر این اسلام سیاسی قد علم کرده، با دولت‌سازی نیم‌بند خود در عراق و سوریه به خودنمایی می‌پردازد. در این نوشتار به مقایسه تطبیقی اعتقادات سیاسی، اخلاقیات سیاسی و رفتار سیاسی در منظومه سیاسی شیعه و داعش پرداخته شده است؛ از جمله این موارد، مقایسه اعتقادی موضوع منجی و مهدویت، مقایسه اخلاقی مسئله خلافت و ولایت و مقایسه رفتاری مسئله مهم جهاد و جنگ است.

واژگان کلیدی: تشیع، داعش، اندیشه سیاسی اسلام، حکومت، خلافت.

* E-mail: t.sharif1385@gmail.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: barzegar@atu.ac.ir

بیان مسئله

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اشاعه گفتمان‌هایی مانند برقراری حکومت جهانی اسلام، صدور انقلاب، ام‌القرای جهان اسلام و در پی آن، دعوت از مسلمانان جهت پیوستن به مذهب شیعه، گفتمان‌های رقیب و بدیل آن شکل گرفت. اولین مصداق آن وهابیت در عربستان سعودی بود؛ کشوری که، با مواضع سنتی حفظ وضع موجود، با انقلاب اسلامی، که به دنبال تغییر وضع موجود بود، به مخالفت برخاست. عربستان سعودی با به‌روزرسانی مذهب کشور خود یعنی وهابیت، به‌عنوان رقیب ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، در تلاش بود تا رهبری خود بر جهان اسلام را تضمین کند. لذا این کشور با حمایت از حرکت‌هایی همچون القاعده و طالبان، که اساس فعالیت‌های آنان تروریستی بود، سعی در صدور اسلام بنیادگرا و نیز جلوگیری از نفوذ تشیع در خاورمیانه و کشورهای مسلمان را داشت. در پی توفیق نیافتن جریان‌هایی، مانند القاعده و طالبان، پدیده نوظهور داعش از درون وهابیت تکفیری برون آمد. داعش از اختصار نام دولت‌های اسلامی عراق و شام به‌دست آمد. جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای بارز و عینی در حکومت‌سازی و دولت‌سازی ماندگار بوده است؛ همچنین اهداف و شعارهای جهانی، مانند ام‌القرای بودن در جهان اسلام، دشمنان زیادی را به وجود آورده است. لذا برای کمرنگ کردن اهداف جهانی آن، تنها راه مبارزه و مقابله با آن، بازسازی یک جریان مشابه آن است. بنابراین مخالفان گسترش اندیشه‌های مذهب تشیع در جهان، به‌ویژه جهان اسلام، با ایجاد تغییراتی در گروه‌های پیرو وهابیت به بازتولید گروهی جدید با اندیشه و عملی نو پرداختند. در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که "آیا داعش بدیلی برای جمهوری اسلامی ایران است؟" به نظر می‌رسد داعش با بهره‌گیری از ایده و الگوی انقلاب اسلامی به پایه‌گذاری و پردازش منظومه فکری و عملی خود پرداخته؛ بنابراین

شباهت‌هایی ظاهری بین آن دو به چشم می‌خورد، اما وجوه تفاوت‌های بارزی هم وجود دارد که این تفاوت‌ها در رفتار و پیامد عملی آنها قابل شناسایی استودولت‌سازی این دو در دنیای مدرن دارای دو سرنوشت متفاوت بوده است.

در باب اندیشه‌های سیاسی شیعیان و فقه سیاسی شیعه کتب بی‌شماری نگاشته شده است. همچنین در مورد انقلاب اسلامی و زمینه‌های شکل‌گیری آن کتب و مقالات متعددی به چاپ رسیده است. کتاب‌های زیادی در باب ولایت فقیه، اجتهاد، توحید، معاد، نبوت و امامت موجود است که پرداختن به هر کدام از آنها از حوصله این نوشتار بیرون است. در مورد پدیده نوظهور داعش نیز کتاب‌ها و مقالاتی نگارش شده اما به سبب تازگی موضوع و ریشه‌ای نبودن تفکرات داعش به تعداد کتاب‌های مذهب تشیع نمی‌رسد.

سید حسن فیروآبادی در تکفیری‌های داعش را بشناسیم براهبردهایی را به دست‌اندرکاران برای جهاد و مبارزه با جهل و ناخودآگاهی رهبران این جریان و به‌عقب‌راندن و انهدام ظرفیت‌های ضددینی ارائه می‌دهد. اثر دیگر، چالش‌های وهابیت برای جهان اسلام است که در آن نویسندگان، هرسیج و تویسرکانی، به تقابل دو مذهب شیعه و وهابیت را، در چند صفحه پرداخته است. به‌رغم اهمیت موضوع داعش و در پی آن گروه‌های تکفیری، مطالعات علمی - پژوهشی زیادی در این زمینه انجام نشده است تا ابعاد گسترش و رشد تصاعدی داعش مشخص شود و بیشتر کتب و مقالات نوشته شده جنبه روزنامه‌نگارانه دارد. آنچه سبب تفاوت و وجه متمایز این نوشتار با سایر مکتوبات شده، مطالعه تطبیقی دو جریان فکری متضاد و مخالف با الگویی منظم و راهبردی مشخص است.

به جهت اختلاف زیاد بین مذاهب شیعه و سنی و البته، سنی وهابی - تکفیری قیاس این دو، کارچندان خوشایندی نیست. اما به جهت تقابل جریان داعش با جمهوری اسلامی ایران، در صدر اخبار قرار گرفتن اعمال و فعالیت‌های خشونت‌بار داعش و موضع‌گیری‌های تند و افراطی آن علیه شیعیان، به‌ویژه شیعیان ایران، در این نوشتار، در ابعاد سه‌گانه اندیشه و عمل و احکام، بررسی مقایسه‌ای این دو انجام شده است.

الگوی تحلیل

جستار سه‌گانه معرفت سیاسی در اسلام

دین اسلام ارکان سه‌گانه‌ای (اعتقاد، اخلاق و احکام) دارد. اکنون مدعا آن است که در معرفت سیاسی اسلام نیز این ارکان سه‌گانه تکرار می‌شود و ما بهتر تیب به عقاید سیاسی، اخلاق در سیاست و احکام سیاسی برمی‌خوریم. پژوهشگر اندیشه سیاسی در اسلام می‌تواند با این محک‌ها سه‌گانه، محتوای معرفت سیاسی را در سبدهای سه‌گانه قالب‌ریزی، ساماندهی و به‌روزرسانی کند. اکنون به شرح مختصر هر یک از این اجزای سه‌گانه می‌پردازیم (برزگر، ۱۳۸۹ش: ۴).

۱- عقاید سیاسی

عقاید سیاسی جزء اول الگوی اندیشه سیاسی در اسلام است. مرزشناسی آن با اجزای دیگر روشن است. عقاید سیاسی در حکمت نظری است؛ در حالی که اخلاقیات و احکام سیاسی هر دو در حکمت عملی قرار دارند. از عقاید به‌عنوان اصول دین یاد می‌شود و باید کسب آن‌ها توسط فرد به‌صورت اجتهادی و یقین‌آور باشد. در حالی که در فروع

دین، که همان احکام باشد، تقلید جایز است. در این سبب نیز باید بین عقاید سیاسی حق و عقاید سیاسی محقق در دیدگاه‌های علمای مسلمان (محقق) تفکیک قائل شد (همان: ۴).

۲- اخلاق سیاسی

الگوی حاضر دومین رکن از ارکان سه‌گانه است. مرزشناسی آن با سبب اول یعنی اعتقادات آسان‌یاب است؛ زیرا اعتقادات در حکمت نظری است؛ اما مرزشناسی آن با احکام و فقه سیاسی نیازمند اندکی دقت است؛ زیرا هر دو به اعمال انسانی می‌پردازند و هر دو در حکمت عملی قرار می‌گیرند. اخلاق سیاسی خود به دو بخش تقسیم شده است: الف) اخلاق سیاسی حکومت‌کنندگان؛ ب) اخلاق سیاسی حکومت‌شوندگان (همان: ۵).

۳- فقه سیاسی

جزء یا بخش سوم آموزه‌های سیاسی اسلام، فقه سیاسی است. فقه سیاسی بخشی از فقه است که عهده‌دار سیاست و تدبیر امور جامعه اسلامی است. فقه سیاسی از نظر شکلی، یکی از ارکان سه‌گانه الگو را تشکیل می‌دهد و دست کم یک‌سوم محتوای معرفت سیاسی اسلام در این بخش نهفته است؛ اما در واقع، فقه سیاسی، فربه‌ترین بخش و بیشترین حجم معرفت سیاسی را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع، در فقه سیاسی است که ما با صادرات و خروجی رفتاری انسان مواجه‌ایم. اعتقادات (بینش‌ها) و اخلاقیات (گرایش‌ها) زمینه‌هایی را در فرد ایجاد می‌کند و این دو، پیش‌نیاز لازم برای رفتار سیاسی و ظاهری را فراهم می‌کنند. می‌توان پیش‌نیازهای رفتار سیاسی را در نمودار زیر نشان داد (همان).

نمودار الگوی تحلیل مقاله در یک نگاه



۱- مقایسه اعتقادی تشیع و داعش

۱-۱- توحید و شرک

واژه توحید، از نظر لغوی، به معنای یگانه دانستن و یکتا شمردن است. توحید همان اعتقاد به وحدانیت خدا و نفی تعدد و کثرت بودن ذاتی است در برابر شرک صریح. از نظر شهید مطهری، توحید مراتب و درجاتی دارد. درجات توحید عبارت‌اند از: توحید ذاتی، توحید صفاتی، توحید افعالی و توحید در عبادت. توحید ذاتی، شناختن ذات حق به وحدت و یگانگی است. توحید صفاتی به معنای نفی هرگونه کثرت و ترکیب از خود ذات است و مانند توحید ذاتی از اصول معارف اسلامی و از عالی‌ترین و پراوج‌ترین اندیشه بشری است که به‌ویژه در مکتب شیعی تبلور یافته است. توحید افعالی یعنی درک

و شناختن اینکه جهان با نظامات و سنن و علل و اسباب فعل اوست و کار او ناشی از اراده اوست. مراتب سه گانه ذکر شده، توحید نظری از نوع شناخت است؛ اما توحید در عبادت، توحید عملی است. توحید نظری، بینش کمال است و توحید عملی، جنبش در جهت رسیدن به کمال.

در اندیشه شهید مطهری شرک نیز مانند توحید مراتبی دارد: شرک ذاتی، شرک در خالقیت، شرک صفاتی و شرک پرستش. اعتقاد به چندمبدئی شرک در ذات است و نقطه مقابل توحید ذاتی، شرک در خالقیت آن است که برخی ملل خدا را ذات بی مثل و مانند می دانستند و او را به عنوان یگانه اصل جهان می شناختند؛ اما برخی مخلوقات او را با کسی دیگر در خالقیت شریک می دانند. این گونه شرک در خالقیت و فاعلیت و نیز نقطه مقابل توحید افعالی است. شرک صفاتی به علت دقیق بودن مسئله، در میان عامه مردم بحث نمی شود. گاهی انسانها در مرحله پرستش، چوب، سنگ و فلز را می پرستیدند. این نوع از شرک، یعنی شرک در پرستش، فراوان بوده و نقطه مقابل توحید در عبادت است (مطهری، ۱۳۸۷ش: ۹۹-۱۲۷).

داعش در یک تقسیم بندی توحید را به سه دسته توحید الوهیت، توحید ربوبیت و توحید اسما و صفات تقسیم کرده است؛ براساس این تعریف، اعتقاد صحیح از ناصحیح جدا می شود؛ زیرا براساس ماهیت سه بعدی توحید، ایمان به توحید ربوبیت، نافی شرک نیست و فقط در کنار دو بُعد دیگر کامل می شود. به عبارت دیگر، هر کس که به سه ذوع توحید اعتقاد نداشته باشد، صرف نظر از اینکه سنی باشد یا شیعه، مشرک است (عباسی، ۱۳۹۳ش: ۱۰۸). در منظر داعش با اعتقاد همزمان به سه دسته توحید فرد، مسلمان تلقی می شود و در غیر این صورت، مشرک یا کافر است؛ اما در نظر شیعه اگر فرد به وحدانیت خدا معتقد باشد، مسلمان است.

۱-۱-۱- ایمان و کفر

پس از مبحث مهم توحید و شرک، بحث ایمان و نقطه مقابل آن کفر مطرح می‌شود. در اندیشه علمای شیعه ایمان حالتی است قلبی و درونی که در اثر دانستن یک مفهوم و گرایش به آن حاصل می‌شود و با شدت و ضعف هریک از این دو عامل کمال و نقص می‌پذیرد. قوام ایمان به گرایش قلبی و اختیار است، برخلاف علم و آگاهی که بدون اختیار هم حاصل می‌شود. ازین رو می‌توان ایمان را یک عمل قلبی اختیاری دانست؛ یعنی با توسعه در مفهوم عمل، ایمان را هم از مقوله عمل به حساب آورد. عمل اختیاری و شایسته همسوی با ایمان است و یا کار ناشایسته و مخالف با جهت آن. در صورت اول، ایمان را تقویت و دل را نورانی می‌کند و در صورت دوم، ضعف ایمان، موجب ظلمانی شدن قلب می‌شود. در رابطه با ایمان و عمل برای تأثیر عمل نیک در تکامل ایمان را از این آیه می‌توان برداشت کرد: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَلِمَ الطَّيِّبَ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ (حجرات/ ۱۴) (مصباح، ۱۳۸۹ ش: ۴۴۱-۴۵۴) در نگاه شیعیان فرد مؤمن با ارتکاب گناه کافر نمی‌شود، بلکه فاسق است و همچنان از حقوق مسلمانی برخوردار است.

در نگاه داعش، اگر فردی نتواند مسلمان بودنش را اثبات کند پس وی کافر است و باید برای اثبات مسلمانی برهان داشته باشد و دلیل نزد آنان این است که فرد به همان چیزی ایمان داشته باشد که آن‌ها باور دارند و در غیر این صورت و در صورت نقض این اصل، خون فرد، ناموس و اموالش بر آنان مباح می‌شود (صدرالحسینی، ۱۳۹۵ ش: ۷۲). تکفیریون داعش عمل را جزئی از ایمان می‌دانند. آن‌ها به تلازم ایمان و عمل اعتقاد دارند. از نظر آنان اگر کسی به خدا ایمان داشته باشد ولی مرتکب گناهان کبیره شود، از دین خارج و مرتد است و در صورتی که کفر آنان کفر بزرگ باشد، جهاد علیه آنان واجب است (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳ ش: ۹۴).

۱-۲- توسل و شفاعت

بزرگ‌ترین و نهایی‌ترین امید مؤمنان گنهگار شفاعت است؛ ولی در عین حال نباید از مکر الهی ایمن شوند. شفاعت که از ریشه شفع به معنای جفت گرفته شده و به این معنی به کار می‌رود که شخص آبرومندی از بزرگی، بخواهد از کیفر جرم او بگذرد و بر پاداش خدمت بیفزاید. در موارد متعارف، علت اینکه کسی شفاعت شخصی را می‌پذیرد، این است که اگر نپذیرد شفاعت‌کننده، رنجیده شود و رنجش خاطر او سبب محرومیت از لذت خدمت یا حتی ضرری از ناحیه شفیع گردد. خود آیات قرآن شفاعت به اذن خدا را اثبات کرده و شرایط شفیعان را و نیز شرایط کسانی را که مشمول شفاعت هستند بیان کرده است. پذیرفته شدن شفاعت شفیعان به واسطه ترس یا نیاز نیست؛ بلکه راهی است که خود او برای کسانی که کمترین لیاقت دریافت رحمت ابدی را دارند قرار داده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹ ش: ۴۸۰-۴۸۶). خداوند دنیا را دار اسباب قرار داده و شرک هم امری قلبی است؛ اگر کسی را که حاجت از او می‌طلبد خدا یا شریک نداند، اصلاً مانعی ندارد حاجت از وی طلب کند. در آیه ۳۹ سوره مائده آمده است از خدا بترسید و به وسیله اولیای خدا توسل جوید به آفریدگار یا به عبارت دیگر، با وسیله به درگاه خدا بروید تا نتیجه کامل بگیری (کاظمینی بروجردی، ۱۳۵۲ ش: ۴۵-۴۶). توسل و شفاعت در اندیشه شیعیان امری مورد تأیید است.

خواستن شفاعت از غیر خدا و توسل به بزرگان دین در اندیشه داعش به طور مشخص وجود دارد؛ که باعث شده دایره تکفیر برای آنها گسترش پیدا کند. در مجله د/بقی شماره هفتم این چنین آمده است: «کافران معنی لا اله الا الله را تحریف کردند و به معنی "هیچ خالق به جز خدا وجود ندارد." آنها به طور اشتباهی خود را به اسلام نسبت می‌دهند در حالی که مردگان را پرستش می‌کنند، فراموش کردند که مشرکین عربی که پیامبر با آنها جنگید، نزار نداشتند که خدا تنها خالق مخلوقات است؛ بلکه تصدیق کردند خدا تنها

خالق است آنها شفاعت کنندگان را پرستش می کنند که به دنبال شفاعت گران مشرکی از میان خود هستند» (دابق، ش ۷: ۲۲).

در شماره دوم مجله *دبئی* آمده است: «بنابراین طلب کردن کمک خدا در برابر گستره متفاوت شرک، ارتداد و انحراف در زمان ما، برای مردمانی است که مجذوب توده این اعمال و تحت تأثیر آنها قرار گرفته اند و برای کسانی که از این اعمال نجات یافته اند، یکی از جریان های اسلامی را از روش اهل سنت منحرف شده اند، منحل می کنند و ما از خداییم و به سوی او بازمی گردیم» (دابق، ش ۲: ۱۱).

۱-۳- عقل و نقل

خداوند متعال موهبتی بزرگ به نام عقل و اندیشه به او اعطا کرده است. در مقایسه با سایر ادیان اسلام بیشترین اهمیت را برای عقل و تعقل قائل شده است. دعوت آیات قرآن به عقل و تعقل و استدلال منطقی از موضوعاتی است که به صراحت به آن پرداخته است. در اندیشه علمای شیعی هم تفکر عقلانی و برهانی جایگاه بسیار ویژه ای دارد. شیعه به جهت دارا بودن منابع غنی، تمامی آنچه را که انسان در جهت استكمال و سعادت حقیقی به آن نیازمند است به طور تام ارائه می دهد. امتیاز اساسی شیعه نسبت به سایر مکاتب اعتقادی جهان اسلام استفاده از تمامی منابعی است که برای رسیدن به حقایق نیاز است. اندیشمندان علوم خود را نه به دست آمده از عقل و نه استفاده شده از نقل می دانند و به کل آن را گرفته شده از جانب خدا می دانند. علمای شیعی بر این عقیده اند که همه معارف را می توان از راه استدلال عقل و برهان نقلی به دست آورد. شیعه، با نزدیک کردن کلام نقلی به براهین عقلی، کلام اسلامی را از اینکه فقط در حد نقل محدود باشد، رهایی بخشیده و آن را از کلام نقلی و جدلی صرف به کلام عقلی و استدلالی متحول کرده است. در نتیجه، شیعه به برهان معتقد است. متفکرین شیعه نیازمندی عقل به وحی و

همکاری این دو را در رشد و شکوفایی علوم و معارف دینی مؤثر دانسته‌اند. در اثبات اصول دین مانند نبوت، معاد، امامت عقل حرفی مخالف شریعت ندارند (ناصح و ساکی، ۱۳۸۷ش.، ۲۱۹-۲۳۴)؛ بنابراین عقل در ردیف و در عرض نقل است و حکم او، همانند نقل، معتبر و حجت است. آقای جوادی آملی به همگامی عقل و نقل اعتقاد دارند، نظر ایشان این است که منبع نقل وحی است و استفاده از عقل تا هنگامی که در تعارض با نقل نباشد، مورد تأیید است، ایشان استنباط احکام و مسائل را منابع نقلی به وسیله عقل بیان می‌دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش.، ۲۰۹-۲۱۵).

عقل در نگاه تکفیریون داعش حائز اهمیت نیست، از این رو به نقل احادیث نامعتبر و ضعیف از تابعان و علمایی می‌پردازند که در سخنانشان نقد و طعن و طرد پیروان مذاهب و فرق اسلامی، به ویژه شیعیان نمود بارزی دارد. نویسندگان داعش برای اشاره دقیق به منابع استفاده شده در متون خودشان در نقل احادیث نیازی نمی‌بینند که به منابع معتبر حدیثی رجوع کنند. داعش یک گروه تکفیری است که فقط نقل را قبول دارد و از عقل و شهود گریزانند و به این باورند که عقل و شهود جز نشان دادن باطل کاری انجام نمی‌دهد و عقل در باب خداوند و امور اعتقادی، هیچ فهم صحیحی ندارد. پس در مبانی اعتقادی آنان عقل هیچ گونه نقشی در اکتشاف حقیقت ندارد. در قاموس تکفیر معرفت دینی به نقل کاسته می‌شود و به این ترتیب، معرفت عقلی از قلمرو دین و رسالت انبیا بیرون می‌آید (مصطفی، ۱۳۹۴ش.، ۹۳-۹۶).

۱-۴- اجتهاد و تقلید

از امتیازات ویژه مکتب تشیع اعتقاد به اجتهاد است. در واقع، نیرو و قوه فعال و پویای مکتب تشیع، اجتهاد است، که همواره آن را زنده و پایدار نگه داشته است. از مجرای اجتهاد است که اصول و قوانین قرآن و آنچه پیامبر^(ص) به عنوان سنت بیان کرده است مورد

بررسی قرار می‌گیرد و با وضع احکام و قوانین مناسب نیازهای مردم را رفع می‌کند. دین اسلام، گذشته از اصول اعتقادی و معارف اصلی، مانند مبدا و معاد که از روی یقین باید بدان معتقد بود، شامل یک سلسله قوانین و مقررات انسانی است که به همه جهات زندگی انسانی، رسیدگی کند. بنابراین تحصیل علم در حیطة قوانین و احکام فرعی اسلام یکی از وظایف مسلمان است؛ بنابراین باید عده‌ای از مسلمانان متصدی آن بوده و توانایی استخراج احکام از منابع اصیل را داشته باشند. برای اثبات ضرورت وجود اجتهاد در منابع دلایل عقلی و نقلی فراوانی موجود است. حتی در زمان صدر اسلام پیامبر (ص) مسلمین را به سوی تعمق و اجتهاد و استنباط سوق داده‌اند (آل غفور، ۱۳۸۴ ش.).

در جریان تکفیری داعش اجتهاد از مفاهیم محوری آنها به‌شمار می‌رود. شاید بتوان گفت اولین بار ابوالاعلی مودودی در عصر جدید بحث اجتهاد را طرح و بحث نمود، با این همه، نگاه گروه نوظهور داعش به اجتهاد بسیار ساده و سطحی است. در شماره ۱ ششم داتی اینگونه آمده: «تصمیم رهبر خود را تأیید کنید و راه و ایده او را قبول کنید؛ زیرا هیچ‌گونه نفاق و انحرافی وجود ندارد، ایده یا مسئله اجتهادی است یا براساس شریعت است و خطا و اشتباهی را دربر نمی‌گیرد. تا آن‌زمان که شما در طلب پاداش خدا باشید، بدانید که پاداش در گوش دادن و تبعیت از رهبران شماست در شرایطی که مخالف شریعت نباشد» (دابق، ش ۱۰: ۶).

۱-۵- مهدویت و موعودگرایی

بحث مهدویت از بحث‌های ریشه‌دار اسلام به‌ویژه مکتب شیعه اثنی‌عشری است. ایمان به حتمیت ظهور منجی در فکر عموم انسان‌ها وجود دارد. شهید صدر می‌فرماید: «اعتقاد به مهدی^(ع) تنها نشانه یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست، بلکه افزون بر آن، عنوانی است برخواسته از آرزوی همه انسان‌ها با کیش و مذاهب گوناگون» در عقیده

شیعه وجود و حضور حضرت مهدی^(ع) با توجه به آیات قرآن و روایات در منابع شیعی و حتی منابع اهل سنت بیش از حد تواتر است. آیات قرآن، که دلالت بر وجود امام زمان دارند، مانند آیه ۷۱ سوره اسراء، آیه انذار (رعد/۷) آیه نذیر (رعد/۴۳ و فاطر/۲۴) و آیه اولی الامر (نساء/۵۹). حتی روایات موجود در منابع اهل سنت و اشاره آنان به روایاتی مانند حدیث ثقلین، حدیث سفینه، حدیث امان، از نمونه‌های بارز اعتقاد به موعود است (رضوانی، ۱۳۸۵ش: ۲۹۹-۳۱۹).

رهبران و بزرگان داعش در صحبت‌هایشان به روایت‌های آخرالزمان استناد بسیاری می‌کردند. روایت‌هایی که در آن بخشی از مسلمانان پس از قیام، عدالت را در جهان برقرار خواهند کرد. در نتیجه، داعش جنبش خود را با قیام آخرالزمانی مسلمانان مطابقت می‌دادند و نبرد خودشان با دیگران را نبرد نهایی مسلمانان موحد با کافران در آخرالزمان می‌دانستند (صدرالحسینی، ۱۳۹۵ش: ۷۳).

بنابراین یکی از باورهای مهم و اساسی این گروه اعتقاد به ظهور قریب الوقوع مهدی موعود و فرارسیدن آخرالزمان بود و تصمیمات مهم و قوانین داعش، مطالبی که در بیانیه‌ها و اعلامیه‌های خود بر روی تابلوها، گواهینامه‌ها، سکه‌ها و نوشت افزارها درج می‌کردند، مطابق پیشگویی‌های آخرالزمانی آنان بود. اهمیت عجیبی که داعش برای شهر دابق قائل است به همین موضوع بازمی‌گردد. دابق روستای بزرگی در شمال حلب است، داعش حتی نشریه رسمی خود را «دابق» نامگذاری کرده است. ارتباط دابق با آخرالزمان بنا بر روایتی در صحیح مسلم نقل شده که آخرالزمان وقتی فرامی‌رسد که جنگی میان سپاه اسلام و سپاه رومیان در دابق به وقوع می‌پیوندد و مسلمین با وجود تلفات زیاد به پیروزی می‌رسند.

۲- مقایسه اخلاقی تشیع و داعش

۲-۱- استشهاد و انتحار

در مکتب راستین تشیع مفهوم شهادت به معنای استشهاد و شهادت طلبی است، یه ویژه شهادتی که در راه دفاع از اسلام و آرمان‌های اسلامی باشد. در مکتب تشیع، شهادت امری مقدس است آن‌چنان که خداوند در قرآن درباره شهیدان فرموده: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۶۹)

عملیات استشهادی همانند عملیات انتحاری اهداف استراتژیک دارد، با این تفاوت اساسی که عملیات استشهادی مطلقاً ویژگی دفاعی دارد و تابع دیدگاه عمومی شیعه در باب جهاد و جهاد دفاعی است. فقه شیعه در ماهیت جهاد ابتدایی دیدگاه ویژه‌ای دارد که جهاد ابتدایی یا جهاد اصلی مشروط به امر امام معصوم^(ع) مبسوط‌الید است. قطعاً در فقه شیعه خودکشی و قتل دیگران نفی و تحریم شده است. نظیر آنچه در عملیات انتحاری رخ می‌دهد. در اندیشه فقیهان معاصر شیعه، دفاع شهادت‌طلبانه، در صورت انحصار این نوع دفاع در مقابل مهاجمان مسلح، گسترش داده شده است (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

وعدۀ پیروزی یا شهادت از بزرگ‌ترین اشتراکات بین گروه‌های تکفیری است. گروه تکفیری داعش نیز چنین است، آن‌ها با استناد به برخی آیات و روایات و برداشت‌های منحصر به خودشان، ترور و عملیات انتحاری را جهاد فردی و واجب می‌دانند که در فرصت مناسب، مسلمان باید به آن اقدام کند. از نظر اسلام، خودکشی گناهی بزرگ و غیرقابل بخشش است، در حالی که تکفیریون داعش خودکشی برای کشتن دشمنان خدا را جهاد و شهادت می‌دانند. از نظر آنان افرادی که به اقدامات انتحاری دست می‌زنند

شهیدند و مستقیم وارد بهشت می‌شوند. سلیمان بخیت، محقق اردنی می‌گوید: «از نظر داعش تو پیروزی! چه بمیری، چه زنده بمانی؛ چنانچه کشته شوی با پیامبر (ص) و خداوند ملاقات خواهی کرد و اگر زنده بمانی به سفر خود ادامه خواهی داد (نورانی، ۱۳۹۴ش: ۳۰).

۲-۲- ولایت و خلافت

تشکیل حکومت ضرورت پیدایش و بقای هر اجتماعی است. هر حکومتی نیز به یک حاکم نیاز دارد، چه عادل و چه فاسد؛ هرچند که حاکمیت فرد عادل ارجحیت دارد. معنای حکومت و حاکمیت اعم از ولایت است؛ اما مقام ولایت والاتر و بالاتر از حاکمیت است. لذا ولی علی‌رغم اینکه به ظاهر در مسند حاکمیت سیاسی قرار ندارد؛ اما حق صدور حکم را دارد؛ بنابراین در دوران غیبت وجود یک حاکم برای حکومت لازم است. پس شئونی از معصومین به‌طور قطع برای فقیهان ثابت است که اساس نصب عام‌شان است. لذا هر فقیهی که واجد شرایط لازم بوده، دارای حق ولایت و اجرای این شئون است. همچنین آیات و روایات بی‌شماری در تأیید وجود ولی، در جامعه اسلامی آمده است که همگی مورد تأیید مکتب تشیع است. آیات تطهیر و اولی الامر نمونه‌های بارز متقن و مبین این موضوع هستند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵ش: ۴۴-۱۰۴).

بعد از اضمحلال دولت عثمانی اندیشه احیای خلافت اسلامی به آرمان و ایده گروه‌های بنیادگرای سلفی در ترکیه تبدیل شد. شیخ محمد عبده با آنکه ایده انتقال خلافت از ترکان به اعراب را مطرح می‌کرد؛ اما نگران این بود که مبادا خلافت به استبداد تبدیل شود (بحرانی، ۱۳۹۰ش: ۲۶۶). با اندکی تأمل در گرایش‌های داعش این حقیقت به‌طور واضح مشخص است که رهبران این گروه تروریستی به‌صورت جدی در رؤیای تسلط بر جهان هستند. از این‌رو، البغدادی دو روز پس از اعلام «خلافت» داعش

در عراق و سوریه خود را «خلیفه» نامید و تیم رسانه‌ای و تبلیغاتی داعش با هدف تحقق این رؤیا در تبلیغات خود بر احیای مرزهای جغرافیایی پیش از جنگ جهانی اول بسیار تأکید داشتند و تقسیم امپراتوری عثمانی را طبق قرارداد سائیس پیکو توطئه کشورهای غربی برای ایجاد تفرقه و جدایی میان مسلمانان می‌داند. همزمان با اعلام خلافت در روز اول ماه مبارک رمضان، این گروه نقشه‌ای را منتشر کرد که در آن چشم‌انداز پنج‌ساله داعش برای احیای خلافت ترسیم شده بود. در نتیجه، رهبران داعش برای جامعه عمل پوشاندن به رؤیای خلافت اسلامی روی این منطقه سرمایه‌گذاری بسیاری کردند و با تشکیل گروه‌های وابسته در افزایش کشورهای شمال آفریقا به حوزه فعالیتشان در تلاش‌اند (صدرالحسینی، ۱۳۹۵ش: ۷۳).

۲-۳- امامت و رهبری

یکی از اصول مذهب شیعه امامیه یعنی اعتقاد به وجود امام عادل و معصوم است. با این توضیح که در زمان غیبت، اعتقاد به امام^(ع) از طریق فقیه جامع‌الشرایط تداوم می‌یابد. بنابراین عنصر امامت، بالقوه عنصری انقلابی است که در صورت به‌فعلیت درآمدن می‌تواند حکومت‌های نامشروع را سرنگون و حکومت مطلوب را جایگزین کند (حسینیان، ۱۳۸۰ش: ۱۴). امامت رکن‌ترین ارکان اسلام است که از صدها دلیل عقلی و نقلی استفاده می‌شود که همگی بیانگر بدنی است که روحش امامت است. دلیل اثبات امامت همان دلیل اثبات نبوت است، یعنی همان‌گونه که برای نشر احکام و تحکیم مبانی دین، در جوامع، به پیامبر نیاز است نیاز به امام نیز ضروری است و این اختصاص به شیعیان ندارد. پیامبر^(ص) در این باره فرمود: کسی که امامش را نشناسد و بمیرد، یهودی و نصرانی مرده است (کاظمینی بروجردی، ۱۳۵۲ش: ۳۳-۳۴).

تکفیریون داعش امامت را در مفهوم رهبری دینی و سیاسی جماعت مسلمانان، از فروغ دین و روش ابراهیمی برمی‌شمردند. وقتی توحید ابراهیمی در روح جوان مسلمان موحد بیدار شود «مسلمان موحد به سادگی از کسی پیروی می‌کند که در ایمان از او پیشتر است. علمایی که عمل به دانش و مذهبشان منجر به اعتمادسازی در او می‌شود» (دابق، ش ۱، بخش اول). اما علمای جامعه امام نیستند، بلکه فرد مسلمان را با شریعت آشنا می‌کنند و آنان خود به هدایت دیگران می‌پردازند. نویسنده *دبقی* با نقل روایتی درباره گفت‌وگوی خلیفه اول با فردی در خانه خدا، که پرسید «امام کیست؟» به او می‌گوید: همان مردمانی که در قبیله و زادگاهت تو را رهبری می‌کنند، نتیجه می‌گیرد «امام در واقع، همان رهبری سیاسی است که مفسران در احادیث به کار می‌برند تا گواهی بر نشان بنیادین آن باشد که از ضروریات شرایط زمان لیبوکر بود (دابق، ش ۲: ۱). هیچ‌یک از مذاهب اهل سنت مقوله امامت را وارد منظومه اعتقادی خود نکرده‌اند. آن‌ها به خلافت به جای امامت معتقدند و بر طبق آن حکومت خود را پایه‌ریزی کرده‌اند. احتمالاً داعش با نگاهی به کارکرد امامت در میان شیعیان و بعضی فرق اسلامی، اندیشه امامت را متفاوت از کارکرد آن در میان سنی‌ها و جماعت در منظومه فکری خود گنجانده‌اند. از نظر داعش، امامت شامل امامان جماعت و فرقه‌ها در نقش رهبری سیاسی و دینی قبایل و قسمتی از خلافت یا رهبری واحد و زمینه‌ساز آن تلقی می‌شود. تکفیریون داعش در مورد چگونگی انتخاب امام ساکت‌اند و به‌رغم آنکه در نقل آیه قرآن درباره امامت حضرت ابراهیم^(ع)، بر درخواست حضرت از پروردگار مبتنی بر تداوم امامت در خاندانش و پاسخ خداوند به او تأکید می‌کند و تلویحاً یزید را یکی از مصادیق ستمکاران می‌خواند که مانع از مشروعیت تداوم امامت درون خاندانی اوست (دابق، ش ۱: ۳) اما درباره سازوکار انتخاب امام هیچ توضیحی نمی‌دهد.

۲-۴- تقریب و تکفیر

تقریب مذاهب به معنای توحید و یکی کردن مذاهب و جایگزین نمودن به جای مذهب دیگر نیست، بلکه در لغت به معنای نزدیک کردن دو چیز است که از هم دور افتاده‌اند. یکی از نظریه پردازان تقریب در قرن اخیر مرحوم علامه محمدتقی قمی می‌گوید: هدف ما اندماج مذاهب فقهی در یکدیگر نیست؛ زیرا اختلاف، امری است طبیعی و در این گونه اختلافات زیانی نبوده؛ بلکه موجب توسعه فکری و فراهم آمدن تسهیلات و گشایش رحمت الهی خواهد بود (علامه قمی: ۶۶). دکتر محمدالدسوقی، استاد دانشگاه قطر، می‌گوید: «نزدیک کردن مذاهب اسلامی کوششی است برای شکستن تعصبات و فراخواندن امت اسلامی بر محور ایده مشترک و کلمه واحد براساس اصول عقاید و مؤلفه‌های بنیادین دینی» (رضوان طلب، ۱۳۸۵، ۲۸). براساس نظر فقهای شیعه و علمای سنی با دشمن دانستن شیعیان تقریب و نزدیکی دو مذهب اسلامی کاری بس نیک است که اندیشه تکفیری و هابی سبب دور شدن دو مذهب شده است. و هابیون تکفیری با دشمن دانستن شیعیان و حتی سنی مذهبانی که عقاید آنان را قبول ندارند، سبب تفرقه و اختلاف بین مسلمانان که دارای قبله واحد و خدای واحد هستند، شده‌اند. خداوند در قرآن درباره اندیشه وحدت فرموده است: **﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾** (آل عمران/۱۰۳)؛ بنابراین نزدیک شدن و تقرب مسلمانان به یکدیگر از دستورات خداوند و پیامبر اسلام است.

برعکس، تفرقه و اختلاف میان شیعه و سنی پیامد عملی اقدامات داعش است. آنان با تقسیم جامعه به دو قسمت خود و دیگری یعنی شیعیان و تکفیر همه شیعیان ایجاد تفرقه و تبعیض می‌کنند. آنان با محدودیت و در تنگنا قراردادن شیعیان و همچنین عمل نکردن شیعیان به خواست‌های آنان، خونشانرا مباح می‌دانند و آنها را به قتل می‌رسانند. تکفیریون

داعش با برتر نشان دادن مذهب سنی و پس از آن وهابی به آتش این اختلاف و عدم وحدت، دامن می‌زنند. زرقاوی به‌عنوان رهبر داعش، پس از تشکیل القاعده فی البلاد الرافدین، دشمن اول خود را شیعیان نامید و به‌طور رسمی شیعه را خائن و منافق معرفی کرد؛ عموم شیعیان را تکفیر کرد و کشتن آنان را جایز شمرد. رویکرد زرقاوی در تکفیر شیعیان، چرخش آشکار از مواضع سیاسی القاعده به مواضع عقیدتی وهابیت بود. وی در یکی از نامه‌های خود ضمن اینکه به اعتقادات و مناسک شیعیان در تکریم نمادها و شعایر اشاره می‌کند؛ بلافاصله جهت سخنان خود را برمی‌گرداند؛ گویی خود می‌داند که اهمیت شعایر و مناسک نزد تشیع، به‌رغم حملات خرده‌گیران، نمی‌تواند مجوز خروج آنان از دین را بدهد (مصطفی، ۱۳۹۴ ش: ۱۲۶).

۲-۵. فداکاری و جانفشانی

فداکاری، ایثار، جانفشانی واژه‌های مقدسی است که در ادبیات مقاومت و پایداری شیعه بسیار خودنمایی می‌کند. شیعیان با الگوگیری از سیدالشهدا در راه حفظ اسلام و عظمت مسلمین خود را قربانی و فدا می‌کنند. این امر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از مهم‌ترین مؤلفه‌های موجود در اندیشه امام خمینی^(ره) و نیز تفکر پایداری و مقاومت و ایثار است. پایداری و مقاومت در اندیشه ایشان با خدا و دستور الهی **فَاسْتَقِم** **كَمَا أَمَرْتَ** آغاز می‌شود. این پایداری دایره‌اش بسیار وسیع است. در نظر وی اگر ملتی روحیه مقاومت و پایداری در برابر ظلم و فداکاری و جانفشانی در راه هدف و آمادگی برای جلوگیری از ظلم و ستم و سلطه بیگانه را مایه ننگ و ذلت برای خودش دانست، می‌تواند به پیروزی برسد. پس در اندیشه شیعیان جانفشانی و فداکاری با بینش و بصیرت همراه است و مبنای عقلی و الهی نیز دارد (عیسی‌نیا، ۱۳۸۵ ش:).

گروه‌های تکفیری امروزی و به ویژه داعش در راه اهداف خود، که بیشتر جنبه مادی دارد و پشتوانه الهی و عقلی ندارد، نهایت جانفشانی و فداکاری را انجام می‌دهد و به راحتی از مرگ در این راه استقبال می‌کند. این آمادگی برای مرگ پرداخت هزینه حداکثری برای اهداف مبهم از قدرت تخریبی بالای آنان خبر می‌دهد و تعداد بالای عملیات‌های انتحاری مؤید این ادعاست (برزگر، ۱۳۹۲ ش: ۱۵۶).

۳- مقایسه رفتاری تشیع و داعش

۳-۱- جنگ و صلح

جهاد در فقه شیعه از فروع دین به حساب می‌آید. در فقه شیعه جهاد به دو قسمت ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود. فقه کلاسیک شیعه از لحاظ روش‌شناسی و شیوه استدلال همان اهل سنت بوده، با این تفاوت که از حیث اصول اعتقادی بر مبنای امامت امام معصوم استوار است. در نتیجه، اندیشه شیعه در باب ماهیت جهاد تفاوت تعیین‌کننده‌ای با فکر سنی پیدا کرده است و اینکه فقه شیعه امامت‌محور است. در فقه شیعه بر صلح به مثابه اصل اولیه تأکید شد است. اما آیه‌ای در قرآن درباره جهاد دفاعی با این مفهوم آمده است: «در راه خدا با کسانی بجنگید که آغازگر جنگ مسلحانه علیه شما هستند و تجاوز نکنند که خداوند متجاوزان را دوست ندارد» (بقره / ۱۹۰). در آیه بعدی نیز تأکید دارد: «اگر آنان به جنگ و کشتار شما اقدام کردند، به جنگ و کشتارشان اقدام کنید که این جزای کافران مهاجم است (همان: ۱۹۱). جنگ، در عین حال که دفاعی است، باید در راه خدا و با نیت رضای خدا باشد، شرط جنگ در راه خدا تحقق هجوم نظامی دشمن است. لذا با توجه به آیات و روایات همگی بر صلح تأکید دارند، شیعه صلح را مقدم بر جنگ می‌داند و امام علی^(ع) به حاکم جامعه اسلامی توصیه می‌کند در باب صلح و تداوم

آرامش در بین مردم از همنشینی و مشاوره عالمان بهره گیرد؛ زیرا موجب احقاق حق می‌شود. بسیاری از فقهای شیعه حضور و اذن امام معصوم یا نماینده خاص امام در باب جهاد را از شروط واجب جهاد ابتدایی دانسته‌اند (فیرحی، ۱۳۸۷ش: ۱۳۱-۱۵۹).

جهاد یکی از عناصر اصلی گفتمان اسلام‌گرایی افراطی است. گروه افراطی داعش جهاد اکبر را، که مبارزه با نفس است، نادیده می‌گیرد و به جهاد اصغر، که مبارزه با کفار است، شاخ و برگ می‌دهد. تا جایی که نام خود را گروه تکفیریه جهادی برمی‌گزینند و به نام جهاد به انواع اعمال تروریستی خشونت‌آمیز دست می‌زنند. آن‌ها مفهوم جهاد را عامیانه کرده‌اند. چنان‌که جهاد و جنگ و ترور دشمنان خدا امری ضروری و تکامل‌بخش و دعوتی مسالمت‌آمیز به تشکیل حکومت اسلامی است. آنان با تمسک به آیات الهی، آرای فقهای سلفی و وهابی و تفسیرهای خاص خود، جهاد ابتدایی، تروریسم و هرگونه خشونت علیه هرکسی را موجه جلوه می‌دهند و آن را جهاد در راه خدا تفسیر می‌کنند. بنابراین ذات و درون مایه جهاد در داعش، ماهیتی صرفاً آرهایی، ارعابی و هراس‌مدار می‌یابد و حتی بعضاً آن را از واجبات اسلامی دیگر مهم‌تر می‌داند (نور، ۱۳۹۳ش: ۲۳). در شماره دوم مجله د/تی چنین آمده: «شیخ ابومحمد الاعدنانی براین گفته تأکید کرد "زندگی بدون جهاد وجود ندارد." این واقعیتی است که هر مجاهد بعد از دستیابی سرزمین خلافت تأیید می‌کند» (دابق، ش ۲: ۳۴). در جایی دیگر از مجله د/تی در حدیثی به نقل از ابوهریره آمده است پیامبر خدا فرمودند: «هرکسی که بدون شرکت در جنگ و بدون قصد شرکت در جنگ بمیرد، با صفت ریاکاری مرده است». بنابراین، ترک جهاد صفتی ریاکارانه است. آگاه باشید از آن یا چیز دیگری که ممکن است قلب شما را تصرف کند» (دابق، ش ۳: ۲۶). در نتیجه، جهاد در تفکر داعش تنها نماد ایمان واقعی تلقی می‌شود و هرکس به این مهم نپردازد و به جهاد روی نیاورد، از نظر آنان مطرود است و حد شرعی بر وی واجب می‌شود.

۳-۲- مقاومت و مسالمت

مقاومت ریشه در عقاید دینی مکتب تشیع مبنی بر مبارزه با ظلم دارد. مقاومت و عدم سازش با کشورهایی که در اندیشه استعمار کشورهای ضعیف و نیز اصلاح جهان سوم هستند. همسودن کشورهایی نظیر عراق، لبنان، لیبی و سوریه علیه کشور غاصب اسرائیل و عدم مدارا با کشورهایی که در اندیشه سلطه بر این کشورها هستند از عقاید محوری و مهم انقلاب اسلامی است. بنابراین کشورهای عربی - غربی با ایجاد تفرقه و اختلاف بین شیعه و سنی و دامن زدن به این اختلافات تلاش می کنند جبهه مقاومت را در برابر جهان اسلام معرفی کنند (افشردی، اکبری، ۱۳۹۲ش: ۶۱).

گروه داعش عملاً محور مقاومت مخالف اسرائیل را نشانه گرفته است که در صورت موفقیت آن‌ها اسرائیل می تواند به یکی از اهداف امنیتی و راهبردی خود یعنی تضعیف محور مقاومت و فعالیت در راستای فروپاشی آن دست یابد؛ با این تفاسیر، گویا نوعی هماهنگی نانوشته بین داعش و اسرائیل وجود دارد. بر این اساس، تحلیل های موجود نیز بر همسویی دو طرف تأکید دارند و حتی برخی تحلیل ها از اساس، جریان های تکفیری بدویژه داعش را ساخته و پرداخته اسرائیل می دانند. وجود منفعت مشترک می تواند در عین دشمنی و خصومت میان گروه های تکفیری تروریستی و اسرائیل باشد. براساس ادبیات جهادگران داعش، مبارزه با دشمن نزدیک (العدو القریب) بر مبارزه با دشمن دور (العدو البعید) اولویت دارد (عبدخدایی - تبریزی، ۱۳۹۴ش: ۱۵۳).

۳-۳- روش حکومت

پژوهش های جامعه شناسان نشان می دهد که تشکیل دولت و حکومت، همیشه و در همه شرایط، یک ضرورت اجتناب ناپذیر عقلی و فطری بوده است و نمی توان از آن

بی‌نیاز بود؛ چون بشر مدنی بالطبع است و تنها در سایه یک زندگی اجتماعی و تشکیلات منسجم سیاسی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. در غیر این صورت، هرج و مرج و توحش بر آنها حاکم می‌شود. اسلام به‌عنوان دینی کامل و جامع زمینه‌های رسیدن به این مطلوب را فراهم می‌کند. جامع اندیشمندان شیعه ضرورت وجود حکومت را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. علامه حلی، متفکر مشهور شیعی، می‌گوید: «عقلا و اندیشمندان مسلمان فی‌الجله، بر وجوب و ضرورت امامت و حکومت اجماع دارند» (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵ش: ۴۴-۴۸). اعتقاد به اینکه هر حکومتی غیر از حکومت امام معصوم^(ع) یا حکومت غیرمأذون از طرف امام معصوم^(ع) غصبی است به‌طور بالقوه، موجد انقلاب اسلامی است. امام خمینی^(ره) می‌گوید:

«اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره جزئی از ولایت است؛ همان‌طور که مبارزه و کوشش برای آن از اعتقاد به ولایت است. مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه سعادت بشر شود، نیاز به قوه اجراییه دارد و بدون تشکیل حکومت و دستگاه اداره و اجرا، هرج و مرج و فساد اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی به‌وجود می‌آید؛ پس برای جلوگیری از فساد و هرج و مرج چاره‌ای نیست جز تشکیل حکومت و انتظام بخشی به همه امور. لذا به ضرورت عقل و شرع آنچه در دوره حیات رسول اکرم^(ص) و زمان امیرمؤمنان بوده، یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان و در زمان ما نیز لازم است» (امام خمینی، ۱۳۸۸ش: ۲۵-۲۸).

تکفیریون داعش، سعه صدر را در برابر تشکیل حکومت اسلامی بر نمی‌تابیدند و کوشیدند با اعمال خشن به سرعت جامعه کافر شده را به جامعه‌ای مسلمان تبدیل کنند.

آنان با بهره‌گیری از مدل خلافت اسلامی و وفاداری به آن به‌عنوان نماد حکومت اسلامی خواهان حرکت‌های خشن و اصلاح امور مسلمین به صورت جهادی بودند. سخنان البغدادی مبنی بر اینکه برای آگاهی مردم آمده است و توده به‌عنوان رعیت باید از خلیفه مسلمین اطاعت کند تا حکومت اسلامی برقرار شود (نجات، ۱۳۹۴ ش: ۱۲۲).

داعش بر این نظر است که برای رسیدن به اهداف خود و عملی نمودن احکام شریعت باید تکلیف کشورهای همسایه عراق شامل سوریه، اردن، ایران را مشخص کند. داعش با یک حرکت دفاعی و افراطی به دنبال ساقط کردن حکومت‌هایی غیر از مدل حکومت مدنظر خود بود.

۳-۴- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر دو اصل اساسی از فروع دین در مکتب تشیع است. ضرورت این اصل برتر و والاتر از یک حد واجب و معمولی است و در ردیف ضروریات دین قرار دارد. امام خمینی^(ره) درباره این موضوع می‌فرماید: «این دو از والاترین و شریف‌ترین واجبات است و به وسیله آن دو دیگر واجبات برپا می‌شود و وجوب این دو از ضروریات دین است که منکر آن در صورت توجه به لازمه انکار و ملتزم شدن به آن از کفار به‌شمار می‌رود». قرآن کریم و احادیث نیز به اهمیت این موضوع پرداخته‌اند. آیه ۱۱۰ سوره آل عمران اشاره‌ای مستقیم به این موضوع دارد. در باب وجوب امر به معروف و نهی از منکر مبانی عقلی و نقلی بی‌شماری وجود دارد (خطیبی کوشکک، ۱۴۳۰ ق: ۹۴).

گروه‌های تکفیری و متعاقب آن داعش، امر به معروف و نهی از منکر را از فروع دین به اصول دین ارتقا داده‌اند. ابن تیمیه، که داعش به‌شدت از افکار وی متأثر است، موجب

شد اهمیت زیادی به این وظیفه داده شود. آنچه او بیان می‌کند همانند وظیفه جهاد است که تا دیگری آن را برعهده نگرفته است، همه مکلف به انجام آن هستند. بنابراین از نظر وی واجبی کفایی است، نه وظیفه‌ای که بر حسب ماهیت آن بر فردی واجب باشد. پس از نظر او، هیچ کس در روی زمین از انجام این وظیفه معاف نیست و براساس حدیث نبوی باید با دست، با زبان و در دل انجام داد. از نظر او، شخص باید آگاهی لازم برای تشخیص معروف از منکر را داشته باشد (کوک، ۱۳۸۵ ش: ۲۵۷-۲۶۲). داعش آن‌چنان در اجرای امر به معروف و نهی از منکر اصرار دارد که حاضر است آن را به قیمت قتل افراد و ایجاد هرج و مرج انجام دهد. این تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر را بنابر اصل عمل‌گرایی افراطی و اهمیت عمل در مقایسه با نظر می‌توان دریافت.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان دستاورد انقلاب اسلامی براساس اصول و مبانی مکتب تشیع و با مرجعیت دینی، علاوه بر اینکه توانسته در عرصه بین‌الملل حضوری چشمگیر داشته باشد، در ارائه مدل حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی پیوند جدیدی بین دین و سیاست برقرار کرده و نمونه جدیدی از اندیشه دولت اسلامی را طی چهار دهه اخیر نمایان کرده است. ظرفیت‌های مفاهیم شیعه که می‌توانند در بستر حکومت اسلامی موجب توسعه و نفوذ انقلاب اسلامی در غالب عقاید محوری شیعه شود و شکست‌های پی‌درپی گروه‌های تکفیری و تضعیف و رو به اضمحلال نهادن داعش، اندیشه‌های اسلام‌عقلانی شیعه در جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان می‌تواند نقش مؤثرتر و فعال‌تری نسبت به گذشته در معادلات منطقه و بین‌المللی ایفا کند. دل‌زدگی از اندیشه‌های افراطی داعش و اسلام‌وهابی تا آنجاست که این اندیشه‌ها حتی در خاستگاه اصلی آن یعنی عربستان سعودی دیگر جدایی‌ناپذیر ندارد و حکام عربستان سعودی از آن فاصله می‌گیرند و

می‌کوشند حتی آن را در عربستان سرکوب کنند. به این دلیل در دیالکتیک اندیشه‌ها و واقعیت‌ها، این اندیشه‌های شیعی معقول است که از آزمون عملی سربلند بیرون آمده. دولت‌سازی داعش بیش از یکی دو سال دوام نیاورد ولی دولت‌سازی شیعه در دنیای مدرن در ایران، با توجه به عقلانیت مستتر در آن، وارد پنجمین دهه خود شده است.

منابع و مآخذ

قرآن

آل‌غفور، سیدمحسن. (۱۳۸۴ش.). «اجتهاد و تقلید در اندیشه عالمان شیعه». فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۳۱. پاییز ۱۳۸۴.

افشردی، محمدحسین و حسین اکبری. (۱۳۹۲ش.). «تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی شیعه بر توسعه نفوذ انقلاب اسلامی». آفاق امنیت. شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۲.

ابراهیم‌زاده، عبدالله. (۱۳۸۵ش.). حاکمیت دینی. قم: زمزم هدایت.

برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۳ش.). «مجرای فهم تکفیری‌ها، پژوهش‌های راهبردی سیاست». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. دوره ۲. شماره ۷. زمستان ۱۳۹۲.

_____. (۱۳۸۹ش.). «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام». دانش سیاسی. شماره ۱۲. پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

بخشی، مهدی و شیخ احمد. (۱۳۸۵ش.). «جهاد از ابن تیمیه تا بن‌لادن». علوم سیاسی. شماره ۳۴. تابستان ۱۳۸۵.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ش.). ولایت فقیه. قم: اسراء.

_____. (۱۳۸۶ش.). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: اسراء.

_____ (۱۳۹۴ش.). *مفاتیح الحیاء*. قم: اسراء.

حسینیان، روح‌الله. (۱۳۸۰ش.). *تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیّه*. مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی. تهران: مرکز نشر اسناد انقلاب اسلامی.

خطیبی کوشکک، محمد. (۱۴۳۰ق.). «مبانی عقلی امر به معروف و نهی از منکر». فصلنامه پیام. شماره ۹۲. محرم ۱۴۳۰ هـ. ق.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۸ش.). *ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی*. چ ۱۷. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

رضوان‌طلب، محمدرضا. (۱۳۸۵ش.). «استراتژی تقریب». اندیشه تقریب. شماره ۷. تابستان ۱۳۸۵.

رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۵ش.). *معمودشناسی و پاسخ به شبهات*. قم: مسجد جمکران.

شیرخانی، علی و داوودی، رشید. (۱۳۹۳ش.). «تبیین قلمرو ولایت در فقه سیاست شیعه». فصلنامه سیاست متعالیه. شماره ۷. زمستان ۱۳۹۳.

صدرالحسینی، سیدرضا. (۱۳۹۵ش.). *اندیشه و عمل داعش*. قم: زمزم هدایت.

عباسی، محمود. (۱۳۹۳ش.). «سنخ‌شناسی داعش». فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام. شماره ۲۸. تابستان ۱۳۹۳.

عبدخدایی، مجتبی و تبریزی، زینب. (۱۳۹۴ش.). «نقش گروه‌های تکفیری - تروریستی سوریه و عراق در تأمین امنیت اسرائیل». مطالعات انقلاب اسلامی. شماره ۴۱. تابستان ۱۳۹۴.

عبدالمالکی، سعید. (۱۳۹۴ش.). *تحلیل روانشناختی پدیده داعش*. تهران: نشر علم.

عیسی‌نیا، رضا. (۱۳۸۵ش.). «امام و ادبیات پایداری». پژوهشنامه متین. شماره ۳۰. بهار ۱۳۸۵.

فرمانیان، مهدی. (۱۳۸۶ش.). «جایگاه آموزه منجی در اندیشه اهل سنت». مشرق موعود. سال اول. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۶.

_____ (۱۳۸۹ش.). «سلفیه و تقریب». هفت آسمان. شماره ۴۷. پاییز ۱۳۸۹.

فیروزآبادی، حسن. (۱۳۹۴ش.). «تفسیری‌های داعش را بشناسیم». تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

فیرحی، داوود. (۱۳۸۷ش.). «مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی». فصلنامه سیاست. شماره ۱۵. دوره ۳۸. بهار ۱۳۸۷.

فیرحی، داوود. (۱۳۸۳). «دفاع مشروع، ترور و عملیات شهادت طلبانه در مذهب شیعه». فصلنامه شیعه‌شناسی. شماره ۶. تابستان ۱۳۸۳.

قاسمی ورجانی، مهدی. (۱۳۹۴ش.). گفت‌وگو با داعش. تهران: ستوس.

کاظمینی بروجردی، سید محمدعلی. (۱۳۵۲ش.). شیعه‌شناسی از منظر فریقین شیعه و سنی در خلافت و ولایت. تهران: مشعل آزادی.

کوک، مایکل. (۱۳۸۵ش.). امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی. ترجمه احمد نمایی. ج ۱. مشهد: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی.

مصطفی، حسن. (۱۳۹۴ش.). داعش زیرساخت‌های معرفتی و ساختاری. تهران: آفتاب خرد.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۹ش.). *آموزش عقاید*. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.

مؤسسه اندیشه سازان نور. (۱۳۹۳ش.). *ماهیت و جایگاه جریان های سلفی در کشورهای اسلامی*. تهران: مؤسسه اندیشه سازان نور.

ناصر، علی احمد و نانسى ساكى. (۱۳۸۷ش.). «جایگاه عقل و تعقل در مبانی تفکر شیعه». *شیعه شناسی*. شماره ۲۱. بهار ۱۳۸۷.

نورانی، سید مهدی. (۱۳۹۴ش.). *داعش از کاشت تا برداشت*. قم: مجد اسلام.

نجات، سید علی، (۱۳۹۴ش.). *کالبد شکافی داعش*. تهران: ابرار معاصر.

* مجلات

مجله *د/بق* شماره ۱، رمضان المبارک ۱۴۳۵.

مجله *د/بق* شماره ۲، رمضان المبارک ۱۴۳۵.

مجله *د/بق* شماره ۳، رمضان المبارک ۱۴۳۵.

مجله *د/بق* شماره ۴، ذی الحجه ۱۴۳۵.

مجله *د/بق* شماره ۵، محرم ۱۴۳۶.

مجله *د/بق* شماره ۶، ربیع الاول ۱۴۳۶.

مجله *د/بق* شماره ۷، ربیع الاخر ۱۴۳۶.